

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿وَلَا تَنَازَعُوا فِتْنَتُسُلُوكُمْ وَتَدَّهَبَ رِيحُكُمْ؛ وَنَزَاعٍ (وَكَشْمَكُش) نَكْنِيْد، تَا سَسْت نَشُوِيْد، وَ قَدْرَت (وَ شُوْكُت) شَمَا اَز مِيَا نَرُوْد!﴾

(ترجمه)

همزمان با آنچه در فلسطین و لبنان می‌گذرد و آنچه از ویرانی و کشتار وحشیانه به دست صهیونیست‌ها با حمایت آمریکا و غرب بر سر مسلمانان می‌آید، عده‌ای از کشتار و ویرانی در لبنان شادمانی نمودند. برخی حتی به مناسبت کشته شدن رهبران حزب لبنانی ایران به دست صهیونیست‌ها جشن گرفته و شیرینی توزیع کردند. غافل از این که این قتل و ویرانی و نسل‌کشی که در فلسطین و لبنان رخ می‌دهد، جنگی است علیه تمام امت اسلام و نه تنها یک گروه یا فرقه خاص. موشکی که بر سر مردم لبنان فرود می‌آید، بین شیعه و سنی یا بین لبنانی و فلسطینی تفاوتی قائل نمی‌شود؛ بلکه به‌طور کلی امت اسلام را هدف قرار می‌دهد و برای صهیونیست‌ها هیچ مذهب و گروه خاصی مهم نیست؛ تمام مسلمانان برای آن‌ها دشمن محسوب می‌شوند.

درست است که ایران و حزب لبنانی آن، بشار اسد و وابستگانش در حق مردم سوریه جنایات‌هایی وحشیانه و نسل‌کشی مرتکب شده‌اند، و این عمل غیرقابل بخشش است و از یاد مردم نخواهد رفت، مادران داغدار و آسیب‌دیدگان این جنایات، آنان را فراموش نخواهند کرد. همچنین، ایران برنامه‌ها و پروژه‌های خود را در شام، یمن و عراق دنبال می‌کند و این موضوع برای هر عاقلی روشن است. ایران به مسائل مسلمانان اهمیت نمی‌دهد و از حمایت از مقاومت تنها به‌خاطر منافع خود بهره‌برداری می‌کند. شاید شادی بابت مرگ یک عده از ظالمان برای مظلومان مشروع باشد، اما این‌که مردم برای کشتن مسلمانان به دست بدترین دشمنان امت و متجاوزان به سرزمینشان شادمانی کنند و شعار تهلیل و تکبیر سردهند، نشان‌دهنده اشتباه در فهم شرعی، ایستادن در صف دشمنان و مشارکت در شادی آن‌ها به‌خاطر تحقق اهداف جنایتکارانه‌شان است. این امر هرگز الله سبحانه و تعالی را راضی نخواهد کرد و به قضیه مسلمانان در جنگ‌شان علیه دشمنان کمکی نمی‌کند؛ بلکه دقیقاً همان چیزی است که دشمنان اسلام می‌خواهند. الله سبحانه و تعالی چنین می‌فرماید:

﴿وَلَا تَنَازَعُوا فِتْنَتُسُلُوكُمْ وَتَدَّهَبَ رِيحُكُمْ﴾ [انفال: 46]

ترجمه: و نزاع (و کشمکش) نکنید، تا سست نشوید، و قدرت (و شوکت) شما از میان نرود!

همچنین در حدیثی که ابوهریره نقل کرده، چنین آمده است:

«...وَمَنْ خَرَجَ عَلَى أُمَّتِي؛ يَضْرِبُ بَرَّهَا وَفَاجِرَهَا، وَلَا يَتَخَاشَى مِنْ مُؤْمِنِهَا، وَلَا يَفِي لِذِي عَهْدٍ عَهْدَهُ، فَلَيْسَ مِنِّي وَاسْتُ مِنْهُ» (رواه مسلم)

ترجمه: و هرکس بر امت من خروج کند و بر نیکوکار و بدکار آنان بتازد و از مؤمنان احتیاط نکند و به عهدش وفا نکند، از من نیست و من از او نیستم.

باید این جنایات وحشیانه علیه اسلام، امت را علیه دشمنش متحد کند. همان‌طور که غرب برای ضربه زدن به اسلام متحد شده است و بسان فراخوان گرسنگان برکاسه غذایی، یکدیگر را برای چپاول داشته‌های امت فرامی‌خوانند، لازم است که امت اسلامی نیز پرچم خود را واحد کرده و در کنار مجاهدان علیه دشمنان خود بایستد و کثافت حکام خائن و مزدور را از بین ببرد؛ حکامی که علیه امت توافق نموده و در کنار دشمنان امت می‌ایستند. این تجمع ضد اسلام فرصتی گران‌بها برای بسیج توانمندی‌های مادی و معنوی و انسجام صفوف و پرهیز از تفرقه و ایستادگی یکپارچه در برابر کینه‌توزی غربی‌هاست. همان‌طور کسانی که مظلوم واقع شده و مورد ستم قرار گرفته‌اند، امر خود را به الله سبحانه و تعالی واگذار کنند؛ زیرا الله سبحانه و تعالی چنین می‌فرماید:

﴿وَمَنْ قَتَلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطَانًا فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا﴾ [اسراء: 33]

ترجمه: و آن کس که مظلوم کشته شده، برای ولی‌اش سلطه (و حق قصاص) قرار دادیم؛ اما در قتل اسراف نكند، چرا که او مورد حمایت است.

این سرورمان رسول الله صلی الله علیه وسلم است که در هنگامی نقل گفته عبدالله بن سلول «اما قسم به الله همین که به مدینه بازگردیم، عزیزترین مان ذلیل‌ترین را از آن‌جا بیرون خواهد کرد.» به ایشان، در پاسخ به این گفته عمر بن خطاب رضی الله عنه که گفت: «با رسول الله بگذار گردن این منافق را بزخم!» چنین فرمودند: «رهايش كنيد تا مردم نگویند که محمد اصحابش را می‌کشد.» (به روایت امام بخاری رح)

بلی، رسول الله صلی الله علیه وسلم تصمیم به ترک مجازات عبدالله بن سلول، رهبر منافقین گرفت. هدف ایشان تألیف و بدست آوردن قلوب مسلمانان، خاموش کردن فتنه‌ها و جلوگیری از دوری مردم از اسلام بود. در آن زمان، همه جزیره العرب با احتیاط به دولت مدینه نگاه می‌کردند و منتظر فرصتی برای حمله و از بین بردن آن بودند؛ اما حکمت رسول الله صلی الله علیه وسلم و درک ایشان از اهمیت وحدت صفوف مسلمانان، مانع از این مسئله شد. نووی رحمه الله در این باره چنین می‌گوید: «این فرموده رسول الله صلی الله علیه وسلم نشان‌دهنده حلم ایشان است، و این‌که ایشان [مبنی بر حکمتی] برخی امور را نادیده می‌گرفتند و بر برخی ناهنجاری‌ها صبر می‌کردند تا از بروز مفسد بزرگتر جلوگیری کنند. ایشان برای تقویت شوکت مسلمانان و تداوم دعوت اسلامی، دل مردم را بدست می‌آوردند و بر جفاهای اعراب و منافقین صبر می‌نمودند.»

در میثاق مدینه که رسول الله صلی الله علیه وسلم در زمان تأسیس دولت اسلامی آن را نوشتند، چنین آمده است:

«إِنَّهُمْ أُمَّةٌ وَاحِدَةٌ مِنْ دُونِ النَّاسِ... وَإِنَّ سِلْمَ الْمُؤْمِنِينَ وَاحِدَةٌ...»

ترجمه: ایشان (مسلمانان) یک امت واحد هستند، جدا از دیگر مردم... و این‌که صلح مؤمنان واحد است....

همچنین در حدیثی که امام احمد رحمه الله نقل کرده است، چنین آمده است:

«الْمُؤْمِنُونَ تَتَكَافَأُ دِمَاؤُهُمْ، وَيَسْعَى بِدِمَتِهِمْ أَدْنَاهُمْ، وَهُمْ يَدُّ عَلَى مَنْ سِوَاهُمْ»

ترجمه: خون مؤمنان برابر است و پایان‌ترین آن‌ها به پیمان‌شان پایبند است، آن‌ها یک دست واحد در برابر دیگران هستند.

در کتاب "البدایة والنهائة" ابن کثیر (جلد ۸، صفحه ۱۲۷) چنین آمده است: «وقتی پادشاه روم دید معاویه رضی الله عنه مشغول جنگ با علی رضی الله عنه است، با سپاهی بزرگی به بعضی از مناطق مسلمانان نزدیک شد و به آن مناطق طمع ورزید؛ معاویه رضی الله عنه به او نامه‌ای فرستاد که محتوایش چنین بود: "به الله قسم، اگر از این کار دست برداری و به سرزمینت برنگردی، من و پسر عموم بر تو پیمان خواهیم بست و تو را از همه سرزمین‌های بیرون خواهیم کرد و زمین را بر تو تنگ خواهیم کرد، هرچقدر هم وسیع باشد.»

این همان چیزی است که رسول الله صلی الله علیه وسلم و اصحاب‌شان بر این بودند، این همان مطلوب شرعیت و موقف سیاسی است و این‌که مسلمانان نمی‌توانند از چنگال استعمار رهایی یابند؛ مگر این‌که سخن‌شان یکی شود و دست‌هاشان به هم بپیوندد تا مرزها را از بین ببرند و صفوف خود را واحد سازند و پرچم توحید را تحت رهبری مؤمن و صادق برافرازند و امت را به عزت و پیروزی برسانند. این فرصت برای امت اسلامی در حال حاضر وجود دارد.

فراخوان‌های جاهلانه تنها به نفع دشمنان اسلام است و فقط باعث تفرقه مسلمانان می‌شود و هیچ پیشرفتی برای امت به ارمغان نمی‌آورد؛ بلکه آن‌ها را گام به گام به عقب می‌راند. چه بسا الله سبحانه و تعالی بین دل‌های اهل ایمان الفت بیفکند و به رهبری صادق و مخلص که پراکندگی این امت را از بین و آن را زیر پرچم رابه رسول الله صلی الله علیه وسلم گرد می‌آورد، نصرت و تمکین عطا کند.

﴿وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ﴾ [آل عمران: 103]

ترجمه: و همگی به ریسمان الله چنگ زنید و پراکنده نشوید! و نعمت الله را بر خود، به یاد آرید که چگونه دشمن یکدیگر بودید و او میان دل‌های شما، الفت ایجاد کرد و به برکت نعمت او برادر شدید! و شما بر لب حفره‌ای از آتش بودید، الله شما را از آن نجات داد؛ این چنین الله آیات خود را برای شما آشکار می‌سازد؛ شاید پذیرای هدایت شوید.

نویسنده: خالد علی - امریکا

مترجم: محمد علی مطمئن